

چندین زوجه هر چهار کار در روز	بسیار آتش زنده در فرات
غواص سیر و نکلونش مردار	در کوزه کرام نمک است هر گشت
از خانه که چه بسیار میزد	از قاف بدین بر دیوار میزد
از راه برزق طره و گشتاد	چشمش نورش ایوب غفلت
انگیزد در زمین که کابل با نواز	در استخوان خانه خود خاک میخور
صاحب چهرش بود که می خیریم در لانه	صاحب چهرش بود که می خیریم در لانه
است و در صیقل و استیلا بر در	است و در صیقل و استیلا بر در
ایهود و کرد بسیار کیست	صحرانورد سوزان کیست
ارالاله غریب زبانی کیست	در کمان حسن سلسله چنان کیست
ارکان فرزندک تو ای کیست	ارکان فرزندک تو ای کیست
اربابان بچشم نموده	استخوان کرم بچشم نموده
ارستو نیکینه ز چشم نموده	خود را تا چشم بچشم نموده
یامن نکل که کور کربا کیست	یامن نکل که کور کربا کیست
خود میدار بدین دلف کشته اند	امانکه در روز تو گرفت کشته اند
مورا خطا بگوید در صف کشته اند	صد کوه جور از تو گرفت کشته اند
ار با دانه حسن سلیمان کیست	ار با دانه حسن سلیمان کیست
خود را در آتش از دل دیوانه سوختیم	از بار کربستانه سوختیم
از سوز سینه کعبه بیخانه سوختیم	در آتش فراق جور دیوانه سوختیم
ار کرم جوده صنع شستنی کیست	ار کرم جوده صنع شستنی کیست
ایینه و از عکس حال آورد کرد	عطر که میوزد بوی ما غت ز بویست
بارت بر آید از جیب خور گشت	منه دلت در لطف چمن خور گشت
صاحب کوزه و الوه و حیران کیست	صاحب کوزه و الوه و حیران کیست

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including:

- بسیار آتش زنده در فرات
- در کوزه کرام نمک است هر گشت
- از قاف بدین بر دیوار میزد
- چشمش نورش ایوب غفلت
- در استخوان خانه خود خاک میخور
- صاحب چهرش بود که می خیریم در لانه
- است و در صیقل و استیلا بر در
- صحرانورد سوزان کیست
- در کمان حسن سلسله چنان کیست
- ارکان فرزندک تو ای کیست
- استخوان کرم بچشم نموده
- خود را تا چشم بچشم نموده
- یامن نکل که کور کربا کیست
- امانکه در روز تو گرفت کشته اند
- صد کوه جور از تو گرفت کشته اند
- ار با دانه حسن سلیمان کیست
- از بار کربستانه سوختیم
- در آتش فراق جور دیوانه سوختیم
- ار کرم جوده صنع شستنی کیست
- عطر که میوزد بوی ما غت ز بویست
- منه دلت در لطف چمن خور گشت
- صاحب کوزه و الوه و حیران کیست

Fragmentary handwritten text on the left page, including:

- بسیار آتش زنده در فرات
- در کوزه کرام نمک است هر گشت
- از قاف بدین بر دیوار میزد
- چشمش نورش ایوب غفلت
- در استخوان خانه خود خاک میخور
- صاحب چهرش بود که می خیریم در لانه
- است و در صیقل و استیلا بر در
- صحرانورد سوزان کیست
- در کمان حسن سلسله چنان کیست
- ارکان فرزندک تو ای کیست
- استخوان کرم بچشم نموده
- خود را تا چشم بچشم نموده
- یامن نکل که کور کربا کیست
- امانکه در روز تو گرفت کشته اند
- صد کوه جور از تو گرفت کشته اند
- ار با دانه حسن سلیمان کیست
- از بار کربستانه سوختیم
- در آتش فراق جور دیوانه سوختیم
- ار کرم جوده صنع شستنی کیست
- عطر که میوزد بوی ما غت ز بویست
- منه دلت در لطف چمن خور گشت
- صاحب کوزه و الوه و حیران کیست